

خدانشناسی در صحیفه سجادیه

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی*

مقدمه

شاید در بین معرفت‌هایی که نصیب آدمی می‌شود، شناخت خداوند تنها معرفتی است که به تعداد توان بشری راه برای شناخت او تصور شده و از این روست که در فرایند تاریخ بشر، «هر کسی از ظن خود شد یار او». یکی از دلایل این تعدد و تفاوت شناخت و در پی آن باورمندی خاص به خداوند، همانا تصور کثرت راه شناخت اوست؛ ولی باید توجه داشت که نه هر راه برای شناخت خداوند پیمودنی است و نه انسان جویای معرفت را به مقصد می‌رساند. پس تنها راه شناخت خداوند حرکت در راه بزرگ «صراط مستقیم» است و این همان راه قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام است و نیایش‌نامه نورانی امام سجاده علیه‌السلام که به نام صحیفه سجادیه معروف است، سرچشمه زلال معرفت‌الله است که با زیباترین بیان و دل‌انگیزترین کلمات انسان را به شناخت خداوند رهنمون می‌سازد:

۱. اهمیت خدانشناسی

شناخت خداوند اساس و سنگ نخست دیانت است؛ مولای متقیان در نهج البلاغه فرموده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ؛ سرآغاز دین معرفت و شناخت خداست. پس شناخت خدا هم گام اول دینداری است و هم پایه اصلی برای تمام اصول و فروع دین و بدون شناخت خدا، درخت معرفت به ثمر نخواهد نشست. اگرچه معرفت اجمالی خدا در فطرت و نهاد آدمی نهفته است، آنچه پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند این است که معرفت و شناخت اجمالی فطری را به شناخت تفصیلی و کامل تبدیل گردانند و به دلیل اهمیت شناخت خداوند است که در نخستین

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

دعای صحیفه سجادیه، توفیق شناخت خدا موهبت الهی و منت او بر بندگانش تلقی شده است؛ آنجا که عرضه می‌دارد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ الْهَمَّنَا مِنْ شُكْرِهِ؛^۱ سپاس خدای را بر آنچه از وجودش به ما شناسانده و بر آنچه از شکرش به ما الهام فرموده».

عدم شناخت و سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی، سبب خروج انسان از دایره آدمیت شده انسان را شبیه حیوانات می‌سازد؛ از این جهت در فرازی دیگر آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا ابْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَ اسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نَعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ؛^۲ سپاس خدای را که اگر بندگانش را از معرفت سپاس‌گزاری بر عطایای پیاپی که به آنان داده و نعمت‌های پیوسته که برایشان کامل ساخته محروم می‌نمود، نعمت‌هایش را صرف نموده و سپاس نمی‌گزاردند و در روزی او فراخی می‌یافتند و شکر نمی‌کردند و اگر چنین می‌بودند از حدود انسانیت بیرون شده، به مرز حیوانیت می‌رسیدند.

۲. راهکار شناخت خداوند

حال این پرسش قابل طرح است که راهکار شناخت خداوند در صحیفه سجادیه چگونه ارائه شده است؟

گرچه در این باره سخن بسیار است، به دو نمونه که در صحیفه سجادیه بیشتر آمده اشاره می‌شود:

الف) نزدیک‌ترین راه معرفت خداوند، راه فطرت و الهام خداوند است که در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است؛ همان نکته‌ای که در صحیفه به آن چنین اشاره شده است: «وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَ جَبَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشُّكِّ فِي أَمْرِهِ؛^۳ و بر آن درهای دانش که به پروردگاری‌اش بر ما گشوده و بر اخلاص و رزی در توحید و یگانگی‌اش ما را راهنمون شده و قلب ما را از الحاد و شک در کار خودش دورداشته است». در یک داستان معرفتی آمده است: شخصی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: خدا را به من آن چنان معرفی کن که گویی او را می‌بینم. حضرت از او سؤال کرد: آیا هیچ وقت از راه دریا

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۳۲.

مسافرت کرده‌ای؟ آن شخص گفت: آری. حضرت فرمود: اتفاق افتاده است که کشتی در دریا بشکند؟ سایل گفت: بلی، اتفاقاً در سفری چنین قضیه‌ی واقع شد. حضرت فرمود: به جایی رسیدی که امیدت از همه چیز قطع شود و خود را مُشرف به مرگ بینی؟ پرسش‌گر گفت: بلی، چنین شد. حضرت فرمود: در آن حال امیدی به نجات داشتی؟ اوگفت: آری. حضرت فرمود: در آنجا که وسیله‌ای برای نجات تو وجود نداشت، برای چه کسی امیدوار بودی؟

آن شخص متوجه شد که در آن حال گویا دل او با کسی ارتباط داشته، در حدی که گویی او را می‌دیده است. این همان حالتی است که غبار از فطرت انسان زدوده می‌گردد و انسان رابطه قلبی و فطری خود با خدا را در می‌یابد.^۱

ب) راهکار دیگر برای شناخت خدا، تفکر در آفرینش انسان و مواهبی است که برای او آفریده شده است؛ لذا فرمود: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ أَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ؛^۲ حمد خداوندی را که سیرت‌ها و صورت‌های پسندیده را برای ما برگزید و روزی‌های خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت».

در صحیفه در هنگامه رؤیت هلال می‌گوید:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ
 أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ وَ أَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَ جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَ عَلَامَةً مِنْ
 عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ؛^۳ ای موجود فرمان‌بردار، ای دوندۀ سریع، ای گردش‌کننده در گذرگاه
 تقدیر، ای تصرف‌کننده در فلک و چرخ‌ی که جای تدبیر و نظم امور است، ایمان آوردم
 به آن کس که از فروغ تو تیرگی‌ها را روشن ساخت و در سایه تو غبار ابهام را از کوه و
 دشت بزدود و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های محکم خویش قرار داد و علامتی از
 علامت‌های قدرت و سلطنت خود معرفی کرد.

در داستانی آمده است: پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اصحاب خویش بر پیرزنی گذشت که با چرخ دستی نخ ریسی می‌کرد. حضرت از او پرسید: خدا را به چه دلیل شناختی؟ پیرزن دستش را که به دسته چرخ بود و چرخ را به سرعت می‌گرداند از دسته چرخ برداشت و طبعاً چرخ پس از چند لحظه متوقف شد، پیرزن گفت: به این دلیل؛ هم‌چنانکه این چرخ را دستی می‌باید که آن را به

۱. محمد بن علی صدوق، التوحید، ص ۲۶۱.

۲. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۳۵.

۳. همان، دعای ۴۳، ص ۲۲۸.

گردش آورد چرخ عظیم جهان را نیز که همواره در گردش است دستی مقتدر می گرداند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَايِزِ»^۱ بر شما باد به آموختن دین باوری از پیر زنان». نظامی گنجوی به زیبایی از آن چنین یاد کرده است:

بلی در طبع هر داننده ای هست که با گردنده گرداننده ای هست
از آن چرخه که گرداند زن پیر قیاس چرخ گردنده همان گیر^۲

۳. توجه به فرایند در زندگی انسان

یکی از نکته‌های مهم در بحث خدا شناسی توجه به نقش و تأثیر خداشناسی در تمام شئون و وجودی و فرایند زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان است، در صحیفه سجادیه آمده است: «اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ الْهَمْنِي التَّقْوَى، وَ وَفَّقْنِي لِلتَّيْسِ هِيَ أَرْكَى، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى»^۳ الهی زبانم را به هدایت گویا ساز، و تقوا را بر قلبم الهام کن، و به پاکیزه‌ترین روش مرا توفیق ده، و مرا به کاری وادار نما که بیش از هر چیز به آن خشنود باشی». در فرازی دیگر می گوید: «وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَ الْإِحْلَاقِ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفُخْرِ»^۴ خیر و نیکی را برای تمام مردم به دست من جاری ساز، و آن را از کدورت منت گذاری دور دار، و خوی عالی را به من عنایت فرما، و از فخر فروشی محافظتم نما».

۴. جلوه ای از معرفت الهی

شناخت ذات حق تعالی امکان پذیر نیست. امام علی عَلِيٌّ در نهج البلاغه فرمود: «الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمِ، وَ لَا يَنَالُهُ عَوْصُ الْفِطْنِ»^۵ خدایی که پای اندیشه تیز گام در راه شناسایی او لنگ، و عواصم در یای علوم و دانش‌ها، دست‌شان از پی بردن به کمال هستی اش کوتاه است». حافظ شیرازی چه زیبا گفته است:

عنقا شکار کس نشود دام بازچین کان جا همیشه باد به دست است دام را^۶

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۳۵.

۲. نظامی گنجوی، خسرو شیرین، بخش ۳، ص ۲۳۱.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، ص ۱۲۹.

۴. همان، ص ۱۳۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه اول.

۶. شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، غزل شماره ۷، ص ۶.

در صحیفه کامله سجادیه در فرازی از دعای نخست چنین آمده است: «وَعَجَزْتُ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ»^۱ اندیشه و فهم وصف کنندگان از وصفش عاجز است». و با الهام از این گونه معارف توحیدی بوده که فردوسی گفته است:

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
خرد را وجان را همی سنجد اوی در اندیشه سخته کی گنجد اوی
به هستیش باید که خستو شوی ز گفتار بی کار یک سوشوی^۲

در اینجا به موارد دیگری از مسائل مهم درباره شناخت خدا اشاره می شود:

الف) ازلیت و ابدیت خداوند

یکی از مسائل مهم درباره شناخت خدا، معرفت به ازلی و ابدی بودن اوست. در صحیفه سجادیه در این باره عرض کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَتْ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ»^۳ حمد خدایی را که اول همه هستی اوست و قبل از او اولی نبوده، و آخراست بی آن که پس از او آخری باشد».

از جمله صفات ثبوتی الهی، «ازلیت» و «ابدیت» باری تعالی است. از نظر همه خداپرستان، خداوند موجودی ازلی است؛ بدین معنا که در گذشته، سابقه عدم نداشته است. از طرف دیگر، خداوند موجودی ابدی است؛ یعنی در آینده هیچ گاه معدوم نخواهد شد. به عبارت دیگر، خداوند هیچ گاه نه در گذشته و نه در آینده، معدوم نبوده و نخواهد بود. وقتی سخن از ازلی و ابدی بودن خداوند به میان می آوریم، باید توجه داشته باشیم که معنای دقیق و شایسته آن این است که خداوند فراتر از زمان است و بر موجودات زمانی احاطه دارد و در هیچ فرضی از فروض، عدم آن حضرت ممکن نیست.

ب) منزله بودن خدا از دیده شدن

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»^۴ دیدگان، او را درک نمی کنند، ولی او دیدگان را درک می کند و او باریک بین و داناست».

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۲۸.

۲. شاهنامه فردوسی، ص ۱.

۳. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۲۸.

۴. انعام: ۱۰۳.

این نکته معرفتی در صحیفه سجادیه چنین آمده است: «الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيِيهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ»^۱؛ خدایی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر است». از نظر عقلی عملیات دیدن و رؤیت از طریق مواجهه شیء خارجی با چشم و ارتعاشات نوری ارسال و انعکاس امواج نوری صورت می‌پذیرد؛ یعنی اولاً باید جسم خارجی باشد؛ ثانیاً: مواجهه وهم جهتی بین جسم خارجی با چشم باشد. بنابراین چشم ما اشیای پشت سر را نمی‌بیند، درحالی که خداوند نه جسم است و نه ویژگی‌ها و خصوصیات جسم را دارد، لذا هرگز با چشم سر دیده نخواهد شد؛ زیرا که خداوند جسم نیست و خصوصیات آن را ندارد، پس دیده نمی‌شود.

ج) چگونگی آغاز آفرینش جهان

در صحیفه سجادیه خداشناسی با رویکرد صفات فعلی بیشتر بازتاب یافته و یکی از صفات فعلی خداوند خالقیت مبدعانه اوست. در صحیفه آمده است: «ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ اِئْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا»^۲ به دست قدرتش آفریدگان را ایجاد کرد و آنان را براساس اراده خود صورت بخشید». ابداع، به معنای انشا و آفریدن است که بدون نمونه قبلی، ایجاد و انجام شود. هر گاه کلمه «بدیع» در باره خدای تعالی به کار رود به معنای ایجاد و آفرینش چیزی است بدون ماده و ابزار و بدون زمان و مکان؛ این گونه آفرینش و ابداع، خاص خداوند است.^۳ قرآن کریم درباره آفرینش می‌فرماید: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۴ پدیدآور آسمان‌ها و زمین است و چون کاری را بخواهد تنها می‌گوید: باش! بی‌درنگ خواهد بود». شبستری می‌گوید:

توانایی که در یک طرفه‌العین	زکاف و نون پدید آورد کونین
چو قاف قدرتش دم بر قلم زد	هزاران نقش بر لوح عدم زد
از آن دم گشت پیدا هر دو عالم	وزان دم شد هویدا جان آدم ^۵

د) تقدیر رزق موجودات

در صحیفه سجادیه درباره مقدر بودن رزق چنین آمده است: «وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۲۸.

۲. همان.

۳. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۱۰.

۴. بقره: ۱۱۷.

۵. محمود شبستری، گلشن راز، ص ۱۲۳.

مَعْلُومًا مَّفْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مِنْ نَقْصِ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛^۱ و برای هر یک از آنان روزی معلوم و قسمت شده‌ای از باب لطف قرار داد. هر آن کس را که روزی فراوان داده، احدی نمی‌تواند بکاهد، و هر آن کس را که روزی کاسته، هیچ کس نتواند بیفزاید». باید توجه داشت خداوند روزی رسان است؛ ولی نه برخلاف جریان علل و عوامل طبیعی و قوانین حاکم بر دنیا و بدون تلاش و کوشش فرد درکسب روزی؛ پس رزق مقدر را انسان باید با کار و تلاش خود به دست آورد. سعدی می‌گوید:

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
هر کوعمل نکرد و عنایت امید داشت دانه نکاشت ابله و دخل انتظار کرد^۲

این همان نکته معرفتی است که در فرازی از دعای حضرت چنین آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقُبُضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَزْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثَبَّتْ فِيْنَا جَوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَ غَدَّاتَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ أَعْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْتَانَا بِمَمَّتِهِ؛^۳ و سپاس خدای را که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آن‌ها را مقرر فرمود و ما را از نسیم‌های حیات بخش بهره‌مند کرد و اعضای انجام دادن کار به ما مرحمت فرمود، و ما را با روزی‌های پاکیزه خوراک داد، و به فضلش ما را بی‌نیاز کرد و به عطای خود سرمایه بخشید.

در جایی دیگر چنین سروده است:

ادیم زمین، سفره عام اوست بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
چنان پهن خوان کرم گسترده که سیمرغ در قاف قسمت خورد^۴

ه) بخشایش خداوند

یکی از صفات فعلی خداوند که همه مردم با آن ارتباط برقرار می‌کنند وصف بخشایش‌گری است. در صحیفه سجادیه آمده است: «أَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَأَعْفُ عَنِّي؛^۵ تو خدایی که خود را بخشنده نامیده‌ای، پس مرا ببخشای». درنمایش نامه صحیفه نه تنها وصف

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۲۸.

۲. کلیات سعدی، قصاید، ص ۶۵۷.

۳. صحیفه سجادیه، دعای اول، ص ۲۹.

۴. کلیات سعدی، بوستان، ص ۱۸۳.

۵. صحیفه سجادیه، دعای ۱۶، ص ۱۱۴.

بخشایش گری خداوند جلوه بیشتر دارد، بلکه بخشایش گری معرفی شده که خود راهکار جلب بخشایش خویش را نیز به بندگان نشان داده است؛ آنجا که عرضه می‌دارد:

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَىٰ عَفْوِكَ وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ الْبَابِ دَلِيلاً مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتُ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛^۱ تویی که بر بندگان دری به سوی بخشش خود باز کرده‌ای، و آن را باب توبه نامیده‌ای، و بر آن در گشوده، راهنمایی از وحی خود قرار داده‌ای، تا آن را گم نکنند، پس خود فرمودی: به سوی خدا توبه خالص و بی‌پیرایه آورید، باشد که پروردگارتان گناهان شما را محو کند، و شما را داخل بهشت‌هایی نماید که نهرها از زیر آن روان است.

شناخت خداوند با صفت بخشایش‌گری در ساحات مختلف زندگی انسان به خصوص زندگی اجتماعی نقش بی‌بدیل دارد؛ برای مثال بسیاری از نزاع‌های خانوادگی که سبب فروپاشی کانون گرم خانواده می‌گردد به جهت نبود روحیه گذشت و بخشش درزن و یا شوهر است. اگر زن یا شوهر به شناخت و باور ایمانی‌اش به خدای بخشایشگر توجه کند و همین صفت الهی را در وجود خویش و در زندگی خود پیاده سازد، مشکل‌ترین مورد زندگی‌شان با اندک گذشت برطرف می‌گردد. حافظ چه زیبا گفته است:

دارم امید عاطفتی از جناب دوست کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست
دانم که بگذرد ز سرجرم من که او گرچه پریش است و لیکن فرشته خوست^۲

و) چشمه سار مهر و رحمت

در صحیفه سجادیه خداوند نه تنها مهربان، بلکه مهر‌آفرین معرفی شده است؛ آنجا که عرضه می‌دارد: «يَا مَنْ لَا تَفْنَىٰ خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيْباً فِي رَحْمَتِكَ»^۳ ای خدایی که گنجینه‌های رحمت وسیع بی‌انتهایش فنا پذیر نیست، بر محمد و آل او درود فرست، و برای ما هم از رحمت بی‌کران خویش بهره‌ای کامل عطا فرما». شناخت خداوند با صفت رحمت در صحیفه سجادیه مورد توجه خاص قرار گرفته و از آن جمله است: «وَرَوْفٌ بِالْعِبَادِ،

۱. همان، دعای ۴۵، ص ۲۹۷.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، ص ۵۳.

۳. صحیفه سجادیه، دعای پنجم، ص ۶۴.

رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ؛^۱ تو مهربان به بندگان، و رحم کننده به آفریدگانت هستی». نکته درس آموز اینکه در صحیفه سجادیه نه تنها هنگام عرض نیاز، خداوند را به اسم شریف «الرَّحِيم» خوانده، بلکه در دفع عذاب نیز به همین اسم پناهنده شده است؛ آنجا که عرضه می‌دارد: «وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ»^۲ و به رحمت خویش مرا از عذاب آتش جهنم حفظ فرما». در مجموع شناخت خداوند با صفت مهرورزی، در فرایند حیات اجتماعی انسان نقش بی‌بدیل دارد. انسان با مهرورزی نه تنها خود را به کمال متعالی می‌رساند و صفت الهی را در خود متجلی می‌نماید، بلکه نرم‌خویی او تأثیر تربیتی در خانه و جامعه دارد؛ چنانکه تندخویی موجب پراکندگی دیگران از اطراف انسان می‌شود.^۳

فهرست منابع

- قران کریم، ترجمه مشکینی، قم: نشر الهادی، ۱۳۸۸ ش.
۱. بلخی، مولوی جلال الدین، مثنوی معنوی، تهران: نشر هرمس، ۱۳۸۵ ش.
 ۲. حافظ شیرازی، دیوان حافظ، تهران: نشر هنر پارینه، ۱۳۸۷ ش.
 ۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: نشر دارالاحیا، ۱۴۱۱ ق.
 ۴. سعدی، مصلح‌الدین، کلیات اشعار، تهران: نشر دوستان، ۱۳۷۹ ش.
 ۵. شبستری، محمود، گلشن راز، [بی‌جا]، نشر نگاه، ۱۳۹۱ ش.
 ۶. صحیفه سجادیه، تهران: نشر فیض الاسلام، ۱۳۶۸ ش.
 ۷. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم: نشر جامعه مدرسین، [بی‌تا].
 ۸. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
 ۹. فردوسی، شاهنامه، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۱. نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، تهران: نشر فرهنگ و مطالعات، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۲. نهج البلاغه، قم: نشر موسسه امیر المؤمنین، ۱۳۸۷ ش.

۱. همان، دعای ۶، ص ۷۵.

۲. همان، دعای ۲۰، ص ۱۴۱.

۳. آل عمران: ۱۵۹.